

ایینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره دوم
خرداد و تیر ۱۴۰۳
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۶

۲۰۶

دوماهنامه
آینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره دوم
خرداد و تیر ۱۴۰۳

Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.35, No.2 Jun - Jul 2024

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

206

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

چاپ نوشت (۱۳) | نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی (۲۰) | نسخه‌خوانی (۳۷) |
جایگاه اشعار عربی در داستان‌های سندبادنامه | نوشتگان (۷) | نگاهی به
چاپخانه‌های ایرانی در آلمان در دوره قاجار و پهلوی | پیامبران و خلفا: مبانی
حکومت بنی‌امیه در بایبل | رباعیات ابوالحسن طلحه | یادداشتهای
شاهنامه (۶) | طومار (۵) | گذشته آن قدر فزون است گفن نتوان کرد:
معرفی و نقد کتاب «مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی» | درباره اشکال‌ها و
نقایص بی‌شمار ترجمه کتاب اعراب و ایرانیان؛ بر اساس روایت فتوحات
اسلامی | آینه‌های شکسته (۳) | نقدی بر تصحیح «دیوان محمود بکرانی
و دیوان رکن بکرانی» | یادداشتی بر یک مقدمه | دشواری‌های برگردان
قرآن و لغزش‌های برخی مترجمان (۱) | **نکته، حاشیه، یادداشت**

● سعّدی در عالم سیاست‌نامه نویسی

● **پیوست آینه پژوهش** | تحلیل و تفسیر متن «تاریخ ایران، دوره مقدماتی» آقا شیخ عبدالرزاق قمی

مجید جلیسه | مرتضی کریمی
نیا رسول جعفریان | محمد رضا
بجاردین | مسالاد بیگ‌یلو | طیبه
حاج‌بقریان | سید محمد
سیدعلی میرافشاری | حسنی
رضا قائم مقامی | سید احمد
سعیدی | علی رضا خرابی | صدرا
آبادی | فرزاد ضیائی حبیب
عاشوری | مهدی عسگری | نادر علی
عاشوری | تیلوکی | یونیا جهان‌پیشین

پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش



Jap.isca.ac.ir

گشته آن قدر فزون است گفن نتوان کرد: معرفی و نقد کتاب «مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی»^۱

به یاد شادروان بانو فاطمه علاقه (۱۳۲۹-۱۳۹۴)

که اولین بار در ایران به تصحیح آثار ابن خفیف همت گماشت

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی | محمد سوری

| ۲۹۳-۳۱۶ |

۲۹۳

آینه پژوهش | ۲۰۶

سال ۳۵ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۳

چکیده: ابن خفیف شیرازی یکی از بزرگ‌ترین صوفیان سده چهارم هجری و شیخ مشایخ شیراز است. او در فقه و حدیث و کلام و تصوف نزد عالمان طراز اول عصر، از قبیل ابوالحسن اشعری و رؤیم بغدادی و حلاج، شاگردی کرده است. ابن خفیف آثار متعددی داشته است که امروز جز چند رساله انگشت‌شمار چیزی از نوشته‌های او به دست ما نرسیده است. علاوه بر این آثار، صدها نقل قول از او در آثار عرفانی و تاریخی و کلامی وجود دارد. در هفت دهه گذشته تلاش‌هایی پراکنده برای تصحیح و ارائه آثار برجای مانده ابن خفیف صورت پذیرفته است. این تلاش‌ها ضرورت تدوین «مجموعه آثار ابن خفیف» را دوچندان کرده است. در سال گذشته (۱۴۰۲) کتابی در دو مجلد با عنوان مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی به کوشش معین کاظمی فر به بازار علم ارائه شد. در مجلد نخست کتاب اوصاف القلوب با انتساب به ابن خفیف منتشر شده است و در مجلد دوم پنج رساله ابن خفیف و ترجمه‌های آن‌ها با چاپ شده است. متأسفانه در این مجموعه کاستی‌های بسیاری راه یافته است، به گونه‌ای که به هیچ‌وجه نمی‌تواند خلأ وجود «مجموعه آثار ابن خفیف» را پر کند و همچنان باید منتظر بمانیم که «دستی از غیب برون آید و کاری بکند». در مقاله حاضر بخشی از کاستی‌های این مجموعه بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: ابن خفیف شیرازی، سیرت شیخ کبیر، اوصاف القلوب، آنه ماری شیمیل، فاطمه علاقه، فلورین زوبیرووی، معین کاظمی فر.

Introduction and Critique of the Book "Collected Works of Ibn Khafif Shirazi"

Mohammad Soori

Abstract: Ibn Khafif Shirazi was one of the greatest Sufis of the 4th century AH and the chief Sheikh of Shiraz. He studied under eminent scholars of his time in jurisprudence, hadith, theology, and mysticism, including Abu al-Hasan Ash'ari, Ruwaym Baghdadi, and Hallaj. Ibn Khafif produced numerous works, but today only a handful of his writings have reached us in the form of a few treatises. In addition to these works, hundreds of quotations from him exist in mystical, historical, and theological texts. Over the past seven decades, scattered efforts have been made to authenticate and present the surviving works of Ibn Khafif, which

۱. از دوست گرامی ام‌آقای دکتر سعید کریمی، عضو هیأت علمی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، سپاسگزارم که علاوه بر اینکه یادداشت‌های خود در حاشیه کتاب مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی را در اختیار بنده قرار داد، مقاله حاضر را پیش از انتشار با دقت خواند و نکته‌های مهمی را یادآوری کرد که همگی در متن اعمال گردید.

have underscored the need for compiling a comprehensive collection of his works. Last year (1402 AH), a two-volume book titled "*Collected Works of Ibn Khafif Shirazi*," compiled by Moein Kazemi Far, was introduced to the scholarly community. The first volume of the book includes "*Awṣāf al-Qulūb*" attributed to Ibn Khafif, while the second volume reprints five treatises by Ibn Khafif along with their translations. Unfortunately, this collection has many shortcomings to the extent that it cannot adequately fill the void of the "Collected Works of Ibn Khafif," and we must still await further discoveries and efforts. This article discusses some of the deficiencies found in this collection.

Keywords: Ibn Khafif Shirazi, Biography of the Great Sheikh, Awṣāf al-Qulūb, Annemarie Schimmel, Fatemeh Alagheh, Florian Sobieroj, Moein Kazemi Far.

(۱) درآمد: ابن خفیف و آثارش

ابوعبدالله محمد بن خفیف بن اسفکشاد دیلمی شیرازی، معروف به «شیخ کبیر» و «ابن خفیف»، یکی از بزرگ‌ترین صوفیان سده چهارم هجری است و شیخ مشایخ شیراز در آن عصر به شمار می‌رفته است. ابن خفیف در شیراز از خانواده‌ای که در اصل اهل کلاشم دیلمان و ساکن شیراز بودند به دنیا آمد. در آغاز جوانی برای گذران زندگی به پیشه‌های متعددی روی آورد، ولی در نهایت به علم‌آموزی پرداخت و نزد بسیاری از عالمان آن عصر درس خواند، و از جمله در بصره به مجلس درس ابوالحسن اشعری (متوفی ۳۲۴ق) راه یافت و در بغداد محضر بسیاری از شاگردان جنید بغدادی (متوفی ۲۹۷ق) از قبیل رؤیم بن احمد بغدادی (متوفی ۳۰۳ق) و ابن عطا آدمی (متوفی ۳۰۹ق) و ابومحمد جزیری (متوفی ۳۱۱ق) را درک کرد. البته به نظر می‌رسد دیدار او با حلاج (مقت. ۳۰۹ق) در زندان بغداد و درک صحبت او بیشترین تأثیر را روی ابن خفیف گذاشت. ابن خفیف پس از سفرهای بسیار و درک صحبت مشایخ عرفان و حدیث و کلام و فقه، به شیراز برگشت و بیشتر عمر طولانی خود را در شیراز به سر برد. هنگامی که ابن خفیف از بغداد به شیراز برگشت، به مهم‌ترین شخصیت معنوی شیراز تبدیل شد و صوفیان و اهل علمی که به شیراز می‌رفتند یا از شیراز رد می‌شدند، خدمت او می‌رسیدند. زمان ابن خفیف یکی از حساس‌ترین دوره‌های تصوف است؛ دوره‌ای است که مشایخ تصوف تلاش کردند سنت صوفیانه را که در قرن سوم به کمال خود رسیده بود و بخش بزرگی از آن شفاهی بود در قالب مکتوب به نسل‌های بعدی منتقل کنند. ابن خفیف سرانجام در حدود صد سالگی در شب ۲۳ رمضان سال ۳۷۱ق در شیراز از دنیا رفت و آرامگاه او در شیراز کماکان مورد توجه علاقه‌مندان است.

مختصری از شرح احوالات ابن خفیف و اقوال او در آثار صوفیه و غیرصوفیه از قرن چهارم به بعد ثبت شده است، ولی کتابی که شاگردش ابوالحسن علی بن محمد دیلمی (زنده در سال ۳۹۲ق) با عنوان سیرت کبیر ابوعبدالله ابن خفیف شیرازی به زبان عربی نوشته، مهم‌ترین و مفصل‌ترین گزارش از زندگی و آثار و احوال ابن خفیف به شمار می‌رود. هرچند اصل عربی این کتاب به دست ما نرسیده است، خوشبختانه امروزه دست کم دو ترجمه کهن فارسی از آن در دست است و آگاهی‌های بسیاری از ابن خفیف به دست می‌دهد. ترجمه نخست از رکن‌الدین یحیی بن جنید شیرازی است که حدود هفت دهه

پیش با تصحیح شادروان آنه‌ماری شیمیل در استانبول منتشر شد و بعدها چندین بار در ایران نیز افسست گردید^۱ و ترجمه دوم از تاج‌الدین کُربالی است که اخیراً با تصحیح مجتبی مجرد منتشر شده است.^۲

در نوشته حاضر صرفاً می‌خواهیم از آثار و نوشته‌های ابن خفیف صحبت کنیم و به زندگی و اندیشه‌های او نمی‌پردازیم. برخی از نویسندگانی که از ابن خفیف یاد کرده‌اند، گفته‌اند که آثار متعددی داشته است^۳ و گاه یکی دو اثر از او را نیز نام برده‌اند،^۴ ولی به برکت گزارش‌های نسبتاً مفصل شاگردش ابوالحسن دیلمی در سیرت شیخ کبیر و جنید شیرازی (زنده در ۷۹۱ق) در *شَدُّ الْأَزَارِ* و زرکوب شیرازی (متوفی ۷۸۹ق) در شیرازنامه ما با بیش از سی عنوان از آثار ابن خفیف آشنا هستیم. آثار ابن خفیف آنچنان اهمیت داشته است که دیلمی باب دوازدهم از کتاب خودش را به «ذکر مصنفات و مجموعات شیخ» اختصاص داده است. دیلمی آثار ابن خفیف را به دو بخش آثار بزرگ (= تصنیف‌ها) و آثار مختصر تقسیم کرده است. عناوین کتاب‌های بخش اول از این قرار است:

(۱) شرف الفقر، (۲) کتاب الاستذکار، (۳) کتاب الفصول فی الاصول [در ترجمه کُربالی اصول و فصول دو کتاب هستند]، (۴) کتاب المنقطعین، (۵) کتاب الجوع، (۶) ترک الشهوات،

۱. دیلمی، سیرت شیخ کبیر ابو عبد الله ابن خفیف شیرازی، ترجمه رکن‌الدین یحیی بن جنید شیرازی، تصحیح آنه‌ماری شیمیل، به کوشش توفیق ه سبحانی، چاپ اول: تهران، انتشارات بابک، ۱۳۶۳ [افست از چاپ استانبول ۱۹۵۵م با ترجمه مقدمه به فارسی و حذف دو مقدمه آلمانی و ترکی کتاب].
۲. دیلمی، سیرت شیخ کبیر ابو عبد الله محمد بن خفیف شیرازی، ترجمه تاج‌الدین کُربالی، تصحیح مجتبی مجرد، چاپ اول: تهران، انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن، ۱۴۰۰.
۳. هُجویری: «امام زمانه خود بود اندر انواع علوم و وی را اندر مجاهدات شأنی عظیم داشت و اندر حقایق بیانی شافی روزگارش مهیا و هویدا است اندر تصانیف» (کشف المحجوب، ص ۱۹۹)؛ خواجه عبدالله انصاری: «هیچ کس نیست، که او را درین علم چندان تصانیف است که وی را» (طبقات الصوفیه، ص ۵۳۷)؛ عطار نیشابوری: «و در هر چهل روز تصنیفی از غوامض حقایق می‌ساخت و در علم ظاهر بسی تصنیف نفیس داشت، همه مقبول و مشهور.» (تذکره الأولیاء، ج ۲، ص ۱۲۵)؛ سُبکی: «و صَنَّفَ من الکتب ما لم یُصَنِّفْهُ أحد.» (طبقات الشافعية الكبرى، ج ۳، ص ۱۵۱)؛ جنید شیرازی به نقل از فقیه شافعی ابوبکر اسماعیلی جرجانی (متوفی ۳۷۱ق): «له علومٌ و حکمٌ قد سَطَرَهَا فی دَوَاوینِهِ و اَلْفَهَا فی کُتُبِهِ.» (شَدُّ الْأَزَارِ، ص ۴۰-۴۱).
۴. ابوالحسن دیلمی: «وجدتُ فی کتاب للشیخ اَبی عبد الله محمد بن خفیف رحمة الله علیه و بخطه» (عطف الألف المألوف، ص ۱۳۵)؛ ابونعیم اصفهانی: «له الفصول فی النصول، و التحقق و التثبت فی الوصول.» (حلیة الأولیاء، ج ۱، ص ۳۸۵). سُبکی سخن ابونعیم را عیناً تکرار کرده است (طبقات الشافعية الكبرى، ج ۳، ص ۱۵۱).

(۷) کتاب لُبْس المُرَقَّعات، (۸) کتاب الاعانة، (۹) کتاب اختلاف الناس فی الروح، (۱۰) کتاب المعراج، (۱۱) کتاب الرد علی ابن سالم، (۱۲) الرد علی ابن زینان [در ترجمه کُربالی: ابن یزدانیار]، (۱۳) کتاب الاعتقاد، (۱۴) کتاب المنهج فی الفقه، (۱۵) کتاب جامع ارشاد [در ترجمه کُربالی: جامع الارشاد]. دیلمی تصریح کرده است که نخستین کتاب ابن خفیف شرف الفقر بوده است و آخرین کتاب او کتاب جامع الارشاد. ابونعیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰ق) در حلیة الاولیاء^۱ از کتاب سوم یاد کرده است و تاج الدین سُبکی (متوفی ۷۷۱ق) نیز در طبقات الشافعیة الکبری^۲ عیناً سخن ابونعیم را تکرار کرده است.

و اما عناوین کتاب های بخش دوم آثار ابن خفیف عبارتند از:

(۱۶) کتاب الاقتصاد، (۱۷) کتاب اللوامع، (۱۸) کتاب المفردات، (۱۹) کتاب المشیخة، (۲۰) کتاب فضل التصوف علی سایر المذاهب، (۲۱) کتاب الفرق بین التقوی و التصوف [در ترجمه کُربالی: بین التصوف و التفرد]، (۲۲) کتاب الاستدراج، (۲۳) کتاب الاندراج، (۲۴) کتاب الجمع و التفرقة، (۲۵) کتاب بلوی الانبیاء، (۲۶) کتاب المحبة، (۲۷) کتاب الود و الألفة، (۲۸) کتاب رسائل [در ترجمه کُربالی: مسائل] علی بن سهل، (۲۹) کتاب السماع، (۳۰) کتاب معرفة الزوال.^۳

دیلمی می گوید که این ها کتاب های رسمی ابن خفیف هستند که او خود به قصد کتاب نوشته است، پانزده کتاب مفصل و پانزده [در ترجمه کُربالی: هفده] کتاب مختصر، وگرنه مسائل پراکنده ای که از ابن خفیف پرسیده اند و او پاسخ گفته است، بسیار زیاد است و حدّ و حصر ندارد. برخی از آثار برجای مانده ابن خفیف از جمله همین مسائل پراکنده هستند. در خصوص عناوین آثار، به نظر می رسد ترجمه تاج الدین کُربالی دقیق تر از ترجمه رکن الدین شیرازی است و پاره ای از ابهامات ترجمه رکن الدین شیرازی را برطرف می کند. برای مثال، تا پیش از انتشار ترجمه کُربالی، ما نمی دانستیم مقصود از «ابن زینان» کیست، ولی عنوان درست رساله (الردُّ علی ابن یزدانیار) مشکل را حل کرد. این عنوان نشان از آن دارد که ابن خفیف پیرو صوفیان بغداد، در نزاع میان ابن یزدانیار

۱. ابونعیم، حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۳۸۵.

۲. سُبکی، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۳، ص ۱۵۱.

۳. دیلمی، سیرت شیخ کبیر، ترجمه رکن الدین شیرازی، ص ۲۱۲-۲۱۳؛ ترجمه کُربالی، ص ۱۹۷-۱۹۸.

أرموی (متوفی ۳۳۲ق) و صوفیان بغداد و به‌ویژه ابوبکر شیبلی (متوفی ۳۳۴ق)، جانبِ بغدادیان را گرفته است.^۱

جنید شیرازی در کتاب شدُّ الأزار، احتمالاً با استفاده از منابعی از جمله نسخهٔ عربی کتاب ابوالحسن دیلمی که در آن زمان هنوز در دسترس بوده، همین سیاههٔ آثار را با اندک اختلاف ذکر کرده است و بعضی از ابهامات در عناوین بالا را رفع کرده است. وی در ابتدا گفته است که ابن خفیف آثار بسیاری دارد (لَهُ مُصَنَّفَاتٌ كَثِيرَةٌ) و سپس «برای نمونه» [= منها] از این آثار نام برده است: (۱) مسند حدیث، (۲) شرف الفقراء المتحقیقین علی الأغنیاء المنفقین، (۳) کتاب شرح الفضائل، (۴) کتاب جامع الارشاد، (۵) کتاب الفصول فی الاصول، (۶) کتاب الاستذکار، (۷) کتاب اللوامع، (۸) کتاب المنقطعیین، (۹) کتاب لبس المرفَّعات، (۱۰) کتاب الاغاثة، (۱۱) کتاب اختلاف الناس فی الروح، (۱۲) کتاب الاقتصاد، (۱۳) کتاب فضل التصوف، (۱۴) کتاب المفردات، (۱۵) کتاب بلوی الانبیاء، (۱۶) کتاب الردّ [ظ: الودّ] و الالفه، (۱۷) کتاب الجمع و التفرقة، (۱۸) کتاب مسائل علی بن سهل، (۱۹) کتاب الرد علی ابن رزمان، (۲۰) کتاب الرد علی ابن سالم، (۲۱) کتاب الجوع و ترک الشهوات، (۲۲) کتاب معرفة الزوال، (۲۳) کتاب اسامی المشایخ، (۲۴) کتاب المعراج، (۲۵) کتاب المنهج فی الفقه، (۲۶) کتاب الاستدراج و الاندراج، (۲۷-۲۸) کتاب المعتقد الكبير و الصغير.^۲

معین‌الدین زرکوب شیرازی نیز از آثار ابن خفیف چنین گزارش کرده است: «قرب هشتده (= هجده) کتاب معتبر به اندک روزگاری تصنیف فرمود ... از جمله تصانیف او آنچه متداول و مشهور است: (۱) کتاب شرف الفقر، (۲) جامع الارشاد، (۳) کتاب استذکار، (۴)، کتاب الفصول فی الاصول، (۵) کتاب الرد علی ابن سالم، (۶) کتاب اللوامع، (۷) کتاب المنقطعیین، (۸) کتاب لبس المرفَّعات، (۹) کتاب الاعانة، (۱۰) کتاب اختلاف الناس فی الروح، (۱۱) کتاب المعراج، (۱۲) المفتاح [ظ: المنهج] فی الفقه، (۱۳) کتاب الاستدراج، (۱۴) الاعتقاد الكبير، (۱۵) الاعتقاد الصغير.»^۳

۱. برای آشنایی با نزاع ابن یزدانبار ارموی با صوفیان بغداد، رک: پورجوادی، «ابن یزدانبار ارموی و مناظرهٔ او با مشایخ بغداد: نگاهی به دعوای صوفیه با یکدیگر»، معارف، دورهٔ پانزدهم، شمارهٔ ۳، آذر-اسفند ۱۳۷۷، ص ۹۱-۶۶.

۲. جنید شیرازی، شدُّ الأزار، ص ۴۲-۴۳.

۳. زرکوب شیرازی، شیرازنامه، ص ۱۲۶-۱۲۷.

خوشبختانه این سه گزارش مهم، ما را با عناوین آثار اصلی و مهم ابن خفیف آشنا می‌کنند، ولی متأسفانه از این سی‌و‌اندی کتاب جز چند رساله کوتاه، و یک کتاب که احتمالاً از ابن خفیف است و درباره آن با تفصیل بیشتر سخن خواهیم گفت، چیزی به دست ما نرسیده است. در دوره جدید، تعدادی از خاورشناسان از قبیل ووستن‌فیلد و گلدزیهر و هارتمان و ماسینیون جست‌گریخته در آثار خود به ابن خفیف اشاره‌وار پرداخته بودند،^۱ ولی نخستین کسی که مستقلاً به ابن خفیف و آثارش پرداخت شادروان بانو آنه‌ماری شیمیل (متوفی ۲۰۰۳ م) بود. همانطور که پیشتر اشاره کردیم، وی ترجمه فارسی رکن‌الدین یحیی بن جنید شیرازی از کتاب سیره الشیخ الکبیر را بر اساس دو نسخه خطی تصحیح کرد و به سال ۱۹۵۵ م با دو مقدمه به زبان‌های آلمانی و ترکی در استانبول به چاپ رساند. شیمیل کار مهم دیگری نیز هم‌زمان با تصحیح این کتاب انجام داد. آن کار مهم این بود که دو رساله کوتاه ابن خفیف با نام‌های «وصیه ابن الخفیف» و «معتقد ابن الخفیف» را تصحیح کرد و به ضمیمه کتاب سیرت شیخ کبیر منتشر کرد.^۲ از این دو رساله، هم اصل عربی و هم ترجمه کهن فارسی موجود است. شیمیل متن عربی و فارسی را به صورت دو ستونه روبه‌روی هم منتشر کرد تا خواننده بتواند متن و ترجمه را با هم مقایسه کند. ترجمه فارسی در بسیاری جاها تقریباً شرح متن عربی است. شیمیل علاوه بر تصحیح کتاب و افزودن این دو رساله، مقدمه‌ای بسیار سودمند و دقیق بر کتاب نوشت که پس از گذشت چندین دهه هنوز تازگی دارد و نشان می‌دهد که سوکمندانه ما در مطالعات مربوط به ابن خفیف چندان جلو نرفته‌ایم.

پس از دو رساله‌ای که شیمیل به ضمیمه سیرت شیخ کبیر منتشر کرد، کار بر روی آثار ابن خفیف عمدتاً در ایران صورت گرفت. اولین بار شادروان بانو فاطمه علاقه از روی اتفاق نسخه‌ای از رساله «فضل التصوف علی المذاهب» را به دست آورد و با مساعدت مرحوم کاظم برگ‌نیسی آن را در نشریه معارف منتشر کرد.^۳ این نسخه در واقع بخشی از

۱. آنه‌ماری شیمیل در مقدمه خود بر سیرت شیخ کبیر گزارش نسبتاً کاملی از کارهای پیشین فرنگیان درباره ابن خفیف ارائه کرده است.

۲. دیلمی، سیرت شیخ کبیر، ترجمه رکن‌الدین شیرازی، ص ۲۷۴-۲۸۳ و ۲۸۴-۳۰۸.

۳. ابن خفیف شیرازی، «فضل التصوف علی المذاهب»، به کوشش فاطمه علاقه، با همکاری کاظم برگ‌نیسی، معارف، سال پانزدهم: فروردین-آبان ۱۳۷۷، شماره پیاپی: ۴۳-۴۴، ص ۵۱-۸۰. تصحیح اولیه خانم علاقه از این رساله بسیار پراشکال بود و نقش مرحوم برگ‌نیسی در تصحیح رساله اگر بیش از خانم علاقه نبود، کمتر هم نبود؛ رحمة الله علیهما (از افادات شفاهی آقای دکتر نصرالله پورجوادی).

مجموعه‌ای خطی متعلق به کتابخانه خانقاه احمدی شیراز بود که معلوم نیست به چه کیفیتی از نسخه اصلی جدا شده است.^۱ از مقدمه خانم علاقه نیز به طور روشن به دست نمی‌آید که اکنون این رساله جدا افتاده در کجا قرار دارد. هرچند بر اساس گزارش فهرستواره فنخا چنین به نظر می‌رسد که اصل نسخه در شیراز و فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، ولی در نسخه موجود و فیلم آن چنین رساله‌ای وجود ندارد.^۲ نام رساله «فضل التصوف» در هر دو فهرست آثار ابن خفیف در سیرت شیخ کبیر و شدّ الازار ذکر شده است و در استناد آن به ابن خفیف تردیدی نیست.

رساله دیگری که خانم فاطمه علاقه از آثار ابن خفیف تصحیح و منتشر کرد، ترجمه فارسی «شرف الفقرا» است.^۳ اصل عربی رساله در دست نیست و تنها نسخه فارسی شناخته شده آن در کتابخانه محمد علی روضاتی در اصفهان بوده است. این نسخه هم‌اکنون در کتابخانه مرکزی دایرة المعارف بزرگ اسلامی محفوظ است.^۴ نام این رساله در هر سه فهرست آثار ابن خفیف با عنوان «شرف الفقر» آمده است.

و سرانجام اینکه آقای دکتر فلورین زویبزی، احتمالاً هم‌زمان با کارهای خانم علاقه، در رساله دکتری‌اش به تفصیل از ابن خفیف و اندیشه‌های او بحث کرد و «کتاب الاقتصاد» او را به ضمیمه رساله دکتری تصحیح کرد. رساله آقای زویبزی اکنون به صورت کتاب منتشر شده است.^۵

۳۰۰

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

۱. این مجموعه مهم را، که بیشتر آثار ابومنصور اصفهانی (متوفی ۴۱۸ ق) را نیز دربردارد، اولین بار استاد ایرج افشار معرفی کرد (ایرج افشار، «اخباری از چند نسخه خطی در شیراز»، یغما، سال ۱۸، شماره ۵، مرداد ۱۳۴۴، ص ۲۵۱-۲۵۶). بعدها آقای دکتر نصرالله پورجوادی در مقدمه‌هایی که بر آثار ابومنصور اصفهانی نوشت، از این مجموعه خطی به کزات یاد و آن را به تفصیل معرفی کرد (اکنون این آثار تجمیع شده است. ر.ک: مجموعه آثار ابومنصور اصفهانی، تصحیح نصرالله پورجوادی و محمد سوری، زیر چاپ). غیر از رساله «فضل التصوف علی المذاهب»، رساله «احادیث الاربعین» ابومنصور اصفهانی نیز از این مجموعه جدا شده و اکنون جداگانه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود (نسخه شماره ۱۰۷۶۵، اهدایی شادروان دکتر احسان نراقی).
۲. درایتی، فنخا، ج ۲۴، ص ۱۳۸.
۳. ابن خفیف شیرازی، «شرف الفقراء»، به کوشش فاطمه علاقه، معارف، سال شانزدهم، شماره ۱، فروردین-تیر ۱۳۷۸ ش، شماره پیاپی: ۴۶، ص ۹۸-۱۳۲.
۴. منزوی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۴۹.
۵. مشخصات کتاب از این قرار است:

Sobieroj Florian, *Ibn Ḥafīf as-Šīrāzī und Seine Schrift zur Novizenerziehung (Kitāb Al-Iqtiṣād)*, Orient-Institut der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft in Kommission bei F. Steiner Verlag Stuttgart, Beirut 1998.

کتاب الاقتصاد در صفحات ۴۴۳ تا ۴۹۰ واقع شده است.

در خصوص نوشته‌های ابن خفیف و نسخه‌های خطی آن، مقاله آقای دکتر جواد بَشَری با عنوان «آثار برجای مانده از ابن خفیف و دست‌نویسی از بخش ابتدایی کتاب الاقتصاد»^۱ نیز بسیار مهم و پرمطلب است و بدون توجه به یافته‌های ایشان هر کاری درباره آثار ابن خفیف ناتمام خواهد بود.

تا اینجا از پنج رساله باقیمانده ابن خفیف و کیفیت انتشار آن‌ها سخن گفتیم. با توجه به اهمیت شخصیت ابن خفیف، به نظر می‌رسد تدوین مجموعه آثار باقیمانده او به همراه گردآوری اقوال پراکنده‌اش از میان آثار صوفیانه و تاریخی و حدیثی، کاری بسیار مهم است و لازم است که صورت انجام پذیرد. خوشبختانه این کار انجام شده است و در سال گذشته (۱۴۰۲) به همت آقای دکتر معین کاظمی فر کتابی با عنوان مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی منتشر شده است. باید به آقای دکتر معین کاظمی فر تبریک گفت که به چنین کار بزرگی دست یازیده است، ولی به نظر می‌رسد اثر حاضر نتوانسته است آن طور که باید و شاید به اهداف خود در گردآوری آثار ابن خفیف و ارائه آن‌ها به شیوه آکادمیک موفق باشد. در اینجا ابتدا این اثر را معرفی و سپس به اختصار به برخی کاستی‌های آن اشاره می‌کنم و همچنان امیدوارم که کاری در خور «قد بلند» ابن خفیف انجام شود.

(۲) معرفی مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی

این مجموعه در دو مجلد واقع شده است. عنوان مجلد نخست در روی جلد به این صورت آمده است: «جلد اول مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، تحقیق و تصحیح: معین کاظمی فر، پیشگفتار: فلورین زویبیری». این مجلد که پربرگ‌تر است به کتاب اوصاف القلوب اختصاص دارد. ابتدا مقدمه مصحح قرار گرفته است و سپس متن تصحیح شده کتاب اوصاف القلوب (ص ۵۹-۳۴۳) درج شده است. از کتاب موسوم به اوصاف القلوب تنها یک نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی شناخته شده است (نسخه شماره ۳۴۴۴) و درباره انتساب آن به ابن خفیف از دیرباز تردیدهایی وجود داشته است. شیمل در مقدمه خود بر سیرت شیخ کبیر گفته است: «در فهرست

۱. بَشَری، «آثار برجای مانده از ابن خفیف و دست‌نویسی از بخش ابتدایی کتاب الاقتصاد»، آینه میراث، دوره هفدهم، شماره ۶۴، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۱-۱۸.

کتابخانه [آستان قدس رضوی در] مشهد کتابی به نام اوصاف القلوب به مؤلفی با نام ابوعبدالله نسبت داده شده است. فهرست نویس مزبور و به استناد آن بروکلیمان^۱ بی‌میل نیستند که کتاب مزبور را از تألیفات ابوعبدالله بن خفیف بدانند، اما در مآخذ عمده‌ای که یاد کرده‌ایم، کتابی بدین عنوان یا مشابه آن به ابن خفیف منسوب نداشته‌اند.^۲ به نظر می‌رسد که شیمیل به عکس نسخه دسترسی نداشته است. با توجه به اینکه صفحات آغازین و پایانی نسخه افتاده است، نشانه‌ای از عنوان کتاب و نام نویسنده در نسخه وجود ندارد و فهرست نویس با توجه به اولین جملات باقیمانده متن، عنوان «اوصاف القلوب» را برای کتاب برگزیده است، نه اینکه واقعاً عنوان کتاب این باشد. بنابراین، دلیل شیمیل برای رد انتساب این کتاب به ابن خفیف قانع‌کننده نیست.

معین کاظمی فر برای اثبات انتساب این کتاب به ابن خفیف سه دلیل آورده است: نخست اسناد احادیث کتاب را که سند کامل و متصل دارند، بررسی کرده است و نشان داده است کسانی که «ابوعبدالله» مستقیماً از آن‌ها احادیث را شنیده است، همگی کسانی هستند که در دیگر آثار ابن خفیف به عنوان مشایخ حدیث او شناخته شده‌اند. دوم سخنانی است که ابونعمیم اصفهانی و روزبهان بقلی (متوفی ۶۰۶ق) از ابن خفیف نقل کرده‌اند و آن نقل قول‌ها در کتاب حاضر وجود دارند. سوم سفرهای ابن خفیف به برخی شهرها که نویسنده این کتاب نیز به سفر خود به آن شهرها اشاره کرده است. به نظر می‌رسد دو دلیل نخست برای انتساب این کتاب به ابن خفیف کافی است و دلیل سوم نمی‌تواند به این مسأله کمکی کند. باید به کاظمی فر دست میریزاد گفت که ثابت کرده است این گنجینه ارزشمند از آثار ابن خفیف شیرازی است.

و اما مجلد دوم، که مشخصاتش در روی جلد به صورت «جلد دوم مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، ترجمه معین کاظمی فر» ذکر شده، شامل این بخش‌ها است: (۱) «معتقد ابن الخفیف»، تصحیح آنه ماری شیمیل، ص ۱۲-۷؛ (۲) «فضل التصوف علی المذاهب»، تصحیح فاطمه علاقه و کاظم برگ نیسی، ص ۳۸-۱۳؛ (۳) «الاقتصاد»،

۱. شیمیل به کتاب بروکلیمان ارجاع نداده است. برخلاف نظر شیمیل، به نظر می‌رسد بروکلیمان به صراحت کتاب را از ابن خفیف دانسته است. ر.ک:

Carl Brockelmann, *History of the Arabic Written Tradition*, Supplement Volume 1, p. 362.

۲. مقدمه شیمیل بر سیرت شیخ کبیر، ص ۹.

تصحیح زوبیروئی، ص ۳۹-۷۶؛ (۴) «وصیة ابن الخفیف»، تصحیح آنه ماری شیمیل، ص ۷۷-۷۸؛ (۵) «ترجمه رساله شرف الفقراء»، مترجم: عبدالرحیم بن محمد بن محمود، تصحیح فاطمه علاقه، ص ۷۹-۱۱۰؛ (۶) «ترجمه رساله معتقد ابن الخفیف»، مترجم: مولانا زین الدین نایینی، تصحیح آنه ماری شیمیل، ص ۱۱۱-۱۲۲؛ (۷) «ترجمه رساله فضل التصوف علی المذاهب»، مترجم: معین کاظمی فر، ص ۱۲۳-۱۶۰؛ (۸) «ترجمه رساله الاقتصاد»، مترجم: معین کاظمی فر، ص ۱۶۱-۲۱۲؛ (۹) «ترجمه وصیت ابن الخفیف»، مترجم: ناشناخته، تصحیح آنه ماری شیمیل، ص ۲۱۳-۲۱۸.

(۳) نقد مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی

مجلد اول

ابتدا درباره مجلد اول مجموعه یعنی کتاب موسوم به «اوصاف القلوب» چند نکته ای را تذکر می دهیم و سپس به سراغ رساله های کوچک تر این خفیف در مجلد دوم مجموعه می روم. ابتدا و انتهای نسخه خطی «اوصاف القلوب» افتادگی دارد و این عنوان را فهرست نویسنده کتابخانه آستان قدس رضوی بر کتاب گذاشته است. این عنوان فقط بر بخش کوچکی از آغاز کتاب سازگار است. ابونعیم اصفهانی از کتاب الفصول فی الاصول ابن خفیف نام برده است و بعضی از سخنانی که از ابن خفیف نقل کرده است، در این کتاب وجود دارد. پس احتمال دارد کتاب حاضر همان الفصول فی الاصول باشد. البته این فقط یک احتمال است و به نظر می رسد نمی توان به صرف این احتمال عنوان الفصول را روی جلد گذاشت و باید منتظر ماند تا شواهد قوی تری پیدا شود. با این حال، استفاده از عنوان «اوصاف القلوب» نیز کاملاً نادرست است. گردآورنده مجموعه نیز بر این باور است که این رساله به احتمال زیاد همان الفصول فی الاصول است.^۱ چه بسا بهتر بود که از تعبیر متن کتاب برای نامگذاری استفاده می شد. «ابوعبداللّه» در آغاز کتاب، خطاب به کسی که از او درخواست تألیف این کتاب را کرده است، می گوید: «إِنَّكَ سَأَلْتَ عَنِ أَحْكَامِ الْقُلُوبِ وَمَرَاتِبِهَا وَتَفَاوُتِ أَحْوَالِهَا وَصِحَّةِ أَقْبَالِهَا وَفَسَادِ إِدْبَارِهَا...» به نظر می رسد، اگر عجلتاً عنوان قراردادی کتاب را «احکام القلوب و مراتبها و تفاوت احوالها» می گذاشتند تا بعداً نام واقعی آن کشف شود، بسیار مناسب تر از عنوان «اوصاف القلوب» بود.

۱. مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، ج ۱، ص ۲۰ و ص ۵۳.

مشکل بعدی «اوصاف القلوب» آن است که صورت کنونی کتاب در حدّ تایپ اولیه است و هیچگونه تصحیح و تحقیقی روی آن انجام نگرفته است و متن کتاب هیچ تعلیقه و یادداشت و پانوشتی ندارد. در تصحیح نسخه‌های خطی، مرحله تحقیق دوشادوش تصحیح متن پیش می‌رود و اهمیت آن کمتر از تصحیح خود متن نیست. در این کتاب هیچ تحقیقی وجود ندارد، یعنی نه احادیث و اقوال و اشعار مأخذیابی شده‌اند و نه اصطلاحات عرفانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و نه اعلام کتاب معرفی شده‌اند و نه دشواری‌های متن برای خواننده روشن شده است. آیا واقعاً این نسخه خطی چندصد صفحه‌ای مربوط به سده چهارم هجری به هیچ یادداشت یا تعلیقه‌ای نیاز نداشته است؟

در خصوص مأخذیابی احادیث، خاطرنشان می‌شود با توجه به اینکه این کتاب شامل حدود سیصد حدیث «مُسند» است، از اهمیت بسیار بالایی در مطالعات حدیث‌شناسی برخوردار است. این احادیث، علاوه بر مأخذیابی، باید جداگانه نیز بررسی می‌شد و ارتباط آن با اسناد مشابه روشن می‌گردید. اهمیت احادیث مُسند در این تعداد بالا تا جایی است که می‌توان این احادیث را به عنوان اثر حدیثی مستقل منتشر کرد. تعداد احادیث برخی از «جزء» های حدیثی که در دهه‌های اخیر به صورت مستقل منتشر شده‌اند، به مراتب کم‌تر از تعداد احادیث مُسند این کتاب است. این گنجینه بزرگ حدیثی مطلقاً مورد توجه قرار نگرفته است. کاظمی فر از میان چندصد حدیث مُسند و غیرمسند تنها چند حدیث معدود را «مثلاً» مأخذیابی کرده است که ای کاش آن احادیث را نیز به حال خود رها می‌کرد. ایشان در این چند مورد، احادیث را به کتاب‌هایی از قبیل امتاع الاسماع مقریزی^۱ (متوفی ۸۴۵) و تاریخ دمشق ابن منظور^۲ [کذا] و تاریخ الاسلام ذهبی^۳ (متوفی ۷۴۸) و وفیات الاعیان ابن خَلکان^۴ (متوفی ۶۸۱) ارجاع داده‌اند. البته در بعضی موارد به منابع حدیثی از قبیل مسند احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱) و صحیح مسلم (متوفی ۲۶۸ ق) و المعجم الکبیر طبرانی (متوفی ۳۶۰ م) نیز ارجاع داده‌اند، ولی روی هم‌رفته به احادیث کتاب هیچ توجه خاصی نشده است. کاظمی فر در مجموع برای صدها حدیثی که در این کتاب آمده است، در بیست‌وهشت

۱. مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، ج ۱، ص ۸۸.

۲. مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، ج ۱، ص ۹۶.

۳. مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۱ و ص ۲۶۵.

۴. مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۷.

مورد تعلیقه زده‌اند، از همین نوع تعلیقه‌ها که اشاره کردم؛ این در حالی است که در مقدمه خود چنین گفته‌اند: «تمام احادیث منقول در متن را با متن جوامع حدیثی معتبر مقابله کرده و مواردی را که متن حدیث در این اثر با متن حدیث در جوامع حدیثی دیگر تفاوت داشته در پاورقی اشاره کرده‌ام.»^۱

اشعار کتاب نیز مأخذیابی نشده یا به صورت بسیار ناقص و گمراه‌کننده مأخذیابی شده است. برخی ابیات به صورت نثر حروف چینی شده است و گویا مصحح متوجه شعر بودن آن‌ها نشده است. اولین شعری که در کتاب آمده و از قضا به صورت نثر حروف چینی شده است، این بیت است:

لَعَمْرُكَ مَا أَدْرَى وَإِنِّي لَأَوْجَلُ
عَلَى أَيْنَا تَعْدُو الْمَنِيَّةُ أَوَّلُ

در پاورقی این بیت فقط آمده است: «ابن منظور در لسان العرب این بیت را به معن بن اوس المزنی نسبت داده است»، در حالی که این بیت در دیوان خود شاعر آمده است و مأخذ آن به طور کامل بررسی شده است^۲ و تا وقتی شعری در دیوان شاعر وجود دارد، معنا ندارد به منبعی مربوط به چند قرن بعد ارجاع داده شود. همچنین در صفحه ۱۱۸ دو بیت از أمیة بن ابی صلت (متوفی ۵ق) آمده است که در پاورقی تنها آمده است: «شعر از أمیة بن ابی صلت است»؛ همین! از قضا دیوان امیه با همین شعر شروع می‌شود و پیدا کردنش مثل آب خوردن بوده است.^۳ در صفحه ۱۴۶ نیز برای بیتی که از قَعْنَب بن أم صاحب (متوفی بعد از ۹۶ق) ذکر شده و در دیوان او موجود است،^۴ به کتاب زاد المسیر فی علم التفسیر نوشته ابن جوزی (متوفی ۵۹۷ق) استناد شده است. در صفحه ۱۴۹ نیز بیتی از مُغیرة بن حَبْناء تمیمی (متوفی ۹۱ق) آمده است که مأخذیابی نشده است.^۵ اوضاع و احوال بقیه اشعار کتاب نیز به همین منوال است.

۱. مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، ج ۱، ص ۵۴.

۲. مَعْن بن أوس مَزْنِي، دیوان مَعْن بن أوس المَزْنِي، گردآوری و تحقیق: نوری حمودی قیسی و حاتم صالح ضامن، بغداد: مطبعة دار الجاحظ، ۱۹۷۷، ص ۹۳.

۳. أمیة بن ابی صلت، دیوان أمیة بن أبی الصلت، گردآوری و تحقیق: سجیع جمیل جَبَبیلی، چاپ اول: بیروت، دار صادر، ۱۹۹۸، ص ۱۷.

۴. شعر قَعْنَب بن أم صاحب، گردآوری و تحقیق: ابراهیم بن سعد حَقِیل، چاپ اول: قاهره، معهد المخطوطات العربية، ۱۴۳۹ق / ۲۰۱۸م، ص ۵۰.

۵. اشعار مغیرة بن حبناء را نوری حمودی گردآوری کرده است و بیت مورد نظر را نیز آورده است. ر.ک: «شعر المغیرة بن حبناء التمیمی»، گردآوری و تحقیق: نوری حمودی قیسی، المومر، شماره ۳-۴، بغداد: اکتوبر ۱۹۸۱م، ص ۲۰۲.

در خصوص معرفی اعلام کتاب نیز باید خاطر نشان کرد که تحقیق دربارهٔ اعلام کتاب و معرفی اجمالی آن‌ها فواید بسیاری دارد، از جمله اینکه باعث می‌شود ضبط صحیح بسیاری از اعلام به دست بیاید و اصلاح شود. به ویژه با توجه به اینکه از این کتاب نسخه دیگری وجود ندارد، ضرورت این کار دوچندان است. برای نمونه، ضبط «ابی الدنیا» درست نیست و باید به «ابن ابی الدنیا» اصلاح گردد. البته نگارنده تصویر نسخه خطی را در اختیار ندارد و این نکته با این فرض است که ضبط متن تصحیح شده مطابق نسخه خطی است.

یکی از کارهای مهم در خصوص کتاب حاضر، بررسی اصطلاحات عرفانی آن است. با توجه به اینکه ابن خفیف یکی از نخستین نویسندگان تصوف است و آثار او در دوره‌ای نوشته شده است که هنوز اصطلاحات صوفیه کاملاً تثبیت نشده بود، بررسی کاربرد ابن خفیف از این اصطلاحات تأثیر جدی در فهم ما از چگونگی شکل‌گیری این اصطلاحات و تحولات بعدی آن‌ها دارد. این مهم نیز متأسفانه در مقدمه و تعلیقات کتاب مورد توجه قرار نگرفته است.

۳۰۶

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

حال به برخی اشکالات ریزتر می‌پردازم. گردآورنده در اوایل کتاب مدعی شده است که «اوصاف القلوب» را تصحیح انتقادی کرده است،^۱ در حالی که همانطور که پیشتر گفته شد، این چاپ اصلاً تصحیح نیست چه رسد به تصحیح انتقادی. یکی از پیش فرض‌های تصحیح انتقادی استفاده از چند نسخه خطی و گزارش اختلاف نسخه‌ها است که در کتاب حاضر اصلاً امکان تحقق ندارد. با این حال، گردآورنده در چند صفحه بعد گفته است: «در صورتی که امکان مقابله و مقایسه وجود داشت متن را به روش قیاسی تصحیح کردم و اگر امکان مقابله نبود به شیوهٔ اجتهادی توسل جستیم».^۲

در جایی از کتاب آیه شریفه «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» [غاشیه: ۲۲] واژه «بِمُصَيِّرٍ» با سین نوشته شده است. گردآورنده اشکال کرده است که آیه باید با صاد نوشته شود. این اشکال وارد نیست، زیرا تعداد معتنابهی از قاریان و راویان ایشان آیه را با سین ضبط

۱. مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، ج ۱، ص ۳۱.

۲. مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، ج ۱، ص ۵۵.

کرده‌اند، از جمله هشام از ابی عامر و فزّاء از کَسایی.^۱ ناگفته نماند که رواج روایت حفص از عاصم در میان ما عمری سخت کوتاه دارد و در گذشته شهرتی نداشته است.

در پایان مقدمه، عکس صفحه دوم نسخه خطی درج شده است، در حالی که عرف رایج در میان مصححان درج اولین صفحه است. با توجه به اینکه ابتدای نسخه افتادگی دارد، بهتر بود عکس صفحه اول درج شود تا خواننده بتواند خوانش مصحح را بررسی کند. علاوه بر این، عکس‌هایی که در پایان مقدمه گذاشته شده، زیرنویس ندارد و معلوم نیست کجای نسخه است.

پاراگراف بندی متن هیچ ضابطه و قاعده‌ای ندارد و بر اساس آغاز و انجام مطالب کتاب نیست. در بسیاری جاها دو مطلب مستقل از هم جدا نشده و پشت سر هم ردیف شده‌اند. آغاز برخی موضوعات جدید حتی با یک نقطه خشک و خالی از موضوع قبل جدا نشده است. در واقع می‌توان ادعا کرد که این کتاب اصلاً پاراگراف بندی نشده است، در حالی که در مقدمه آمده است: «نسخه اصلی فاقد پاراگراف بندی بوده، اما سعی کردم سطوری که به لحاظ مضمونی از مطالب قبل و بعد خود استقلال نسبی دارند، در یک پاراگراف بیاورم.»^۲ جَلَّ الخالق! یعنی واقعاً ایشان انتظار داشته‌اند که نسخه خطی پاراگراف بندی شده باشد؟

در عرف مصححان، شماره برگ نسخه اساس یا مضبوط‌ترین نسخه در داخل متن ارائه می‌شود تا پیدا کردن متن در نسخه خطی به آسانی انجام شود. این کار در نسخه‌های منحصر به فرد لزوم بیشتری دارد، ولی در کتاب موسوم به «اوصاف القلوب» این کار واجب ترک شده است.

کتاب حاضر دارای بسیاری از فواید تاریخی است که هیچکدام مورد توجه قرار نگرفته است. بررسی این فواید خود به مقاله‌ای مستقل نیاز دارد. برای مثال، آثاری که مؤلف از آن‌ها نام برده یا نقل قول کرده است و نیز احادیثی که درباره حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در کتاب

۱. در خصوص واژه‌های صراط و مصیطر و جواز قرائت به سین و صاد، برای نمونه، رک: ابن خالویه، الحجة فی القراءات السبع، ص ۶۲ و ۳۳۵ و ۳۶۹، و نیز رک: احمد بن محمد بنّاء، إتحاف فضلاء البشر، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲. مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، ج ۱، ص ۵۵.

آمده است، همگی از نکته‌های برجسته این کتاب است. نگارنده امیدوار است در نوشته‌ای دیگر به این مسائل بپردازد.

در خصوص مجلد اول «مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی» به همین مقدار بسنده می‌کنیم و به سراغ مجلد دوم می‌رویم.

مجلد دوم

همانطور که گفتیم، در مجلد دوم از «مجموعه آثار ابن خفیف» نه «متن» درج شده است، چهار رساله به زبان عربی و چهار رساله دیگر ترجمه‌های این رساله‌ها و نیز یک رساله که فقط ترجمه فارسی آن در دسترس است.

مهم‌ترین اشکالی که به کار آقای کاظمی فر در مجلد دوم وارد است، این است که ایشان حق معنوی محققان پیش از خود را - که آثارشان با کاستی‌های بسیار در این مجلد «کپی» شده است - به کلی نادیده گرفته است و بلکه آن را تا حد زیادی ضایع کرده است (ضایع کردن را در ادامه توضیح خواهم داد). همانطور که در بخش اول این نوشتار گفتم، پیش از کاظمی فر، آنه ماری شیمل و فاطمه علاقه و کاظم برگ‌نیسی و فلورین زوبیرووی بر روی آثار ابن خفیف کار کرده‌اند و آثارشان در این مجموعه «کپی» شده است، ولی نه در روی جلد و نه در صفحه عنوان و نه در فهرست مطالب هیچ نامی از این افراد نیست.^۱ تنها در مقدمه کتاب و در ابتدای هر رساله در پانویس اشاره‌وار نام این محققان آورده شده است، ولی این مقدار اصلاً کافی نیست و صورت کتاب به گونه‌ای است که خواننده را به این اشتباه می‌اندازد که کل این رساله‌ها تصحیح یا ترجمه آقای کاظمی فر است.

اشکال دیگر، که شاید مهم‌تر هم باشد، این است که کاظمی فر حتی در «کپی» کردن تحقیقات پیشین نیز درست عمل نکرده است و بلکه «نام نیک رفتگان ضایع» کرده است. برای نمونه، مقدمه‌های تصحیح‌های قبلی به کلی حذف شده است و خواننده نمی‌داند این متن‌ها از کجا آمده است و بر اساس چه نسخه‌هایی تصحیح شده است. همچنین شماره برگ‌های نسخه‌های خطی و نیز «نسخه بدل‌ها»ی حواشی نسخه‌های

۱. ناگفته نماند که نام فلورین زوبیرووی در روی مجلد اول به عنوان «نویسنده پیشگفتار» آمده است. این یادکرد از بحث ما خارج است.

خطی و نیز تغییرات جزئی که مصححان پیشین در متن رساله‌ها انجام داده‌اند، همگی حذف شده و متن «خالی» در اختیار خواننده قرار گرفته است. حذف حواشی تصحیح اول باعث شده است که مثلاً واژه‌هایی که خانم علاقه داخل قلاب گذاشته‌اند در این تصحیح دچار ابهام شوند و کسی نداند که این قلاب‌ها به چه معنایی است. نزدیک‌ترین چیزی که ممکن است به ذهن خواننده برسد این است که این کلمات از اضافات مصحح باشد در حالی که چنین نیست و مثلاً نشانه‌ی درج کلمه‌ای از حاشیه‌ی نسخه‌ی خطی به داخل متن است. برای نمونه، در رساله‌ی «فضل التصوف علی المذاهب»، واژه‌ی «یعلم» از حاشیه‌ی نسخه‌ی خطی به متن منتقل شده است (ص ۵۸، سطر ۸). حذف حواشی همچنین باعث شده است که اغلاط نسخه‌ی خطی که به صورت صحیح در متن آورده شده، بر خواننده پوشیده بماند و خواننده گمان کند که ضبط نسخه‌ی خطی درست بوده است. به نظر می‌رسد این رساله‌ها پس از حروف چینی مجدد حتی بازخوانی و نمونه‌خوانی نیز نشده باشند، چون غلط‌هایی به متن جدید راه یافته است.

۳۰۹

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

البته از حق نگذریم که کاظمی‌پور در رساله‌ی «فضل التصوف» نشانی چند آیه را در داخل پراتز به متن اضافه کرده است، هرچند این اضافات و نیز همه‌ی نشانی‌های آیات به صورت چپکی است، یعنی ابتدا شماره‌ی آیه آمده است و سپس شماره‌ی سوره، به نحوی که خواننده نخواهد توانست آیه‌ی مورد نظر را در قرآن کریم پیدا کند. مثلاً به جای ۲۲: ۳۹ (یعنی سوره فاطر: آیه ۲۲) در متن ۳۹: ۲۲ ذکر شده است (یعنی سوره حج: آیه ۳۹) که کاملاً اشتباه است. این برخلاف شیوه‌ی است که برخی مصححان قبلی به کار گرفته‌اند. بهتر بود در اینجا شیوه‌ی مصححان قبلی تغییر نمی‌کرد و ابتدا نام سوره و سپس شماره‌ی آیه ذکر می‌شد (مثلاً فاطر: ۲۲) تا از اشتباه پرهیز شود. مشکل جابه‌جایی سوره و آیه در کل مجموعه وجود دارد. سنت محققان مسلمان این است که ابتدا نام سوره و سپس شماره‌ی آیه را ذکر می‌کنند. در سنت فرنگی‌ها، هم برای سوره و هم برای آیه از عدد استفاده می‌شود که ممکن است مشکل بالا به وجود بیاید. فرنگی‌ها پیشترها از اعداد رومی برای شماره‌ی سوره استفاده می‌کردند که مناسب بود، ولی متأسفانه این شیوه در حال متروک شدن است. در هر صورت، این کاش پژوهش‌های قبلی دست کم به صورت عکس برگردان در مجموعه حاضر منتشر می‌شد، تا هم زحمت کم‌تری متحمل می‌شدند و هم اغلاطی را نمی‌افزودند.

نکته بعدی که باید در گردآوری مجموعه آثار مورد توجه قرار می‌گرفت، این است که لازم بود غیر از این پنج رساله که برای همگان در دسترس است، همه جاهایی که از آثار ابن خفیف سخنی به میان آمده است، مورد بررسی قرار می‌گرفت و به قول فقها «استفراغ وُسع» می‌شد تا چیزی جا نماند. برای نمونه، در مقدمه خانم فاطمه علاقه بر رساله «فضل التصوف» اشاره وار گفته شده است که مرحوم میرزا محسن حالی اردبیلی معروف به عماد الفقراء (متوفی ۱۳۳۳) این رساله را به فارسی ترجمه کرده است. لازم بود گردآورنده این سرنخ مهم را پی می‌گرفت؛ اگر به نسخه خطی ترجمه دست می‌یافت که «فَیْهَا وَ نِعْمَتٌ» و از همان استفاده می‌کرد و اگر چنین نسخه‌ای وجود نداشت، لااقل معلوم می‌شد که به اندازه لازم جست‌وجو کرده و چاره‌ای جز ترجمه مجدد نبوده است. ناگفته نماند که از این ترجمه دو نسخه، یکی فقط ترجمه و دیگری به همراه اصل عربی، در کتابخانه خانقاه احمدی شیراز موجود است و در فهرست کتابخانه نیز معرفی شده است^۱ و به آسانی می‌توانست در اختیار گردآورنده قرار گیرد و در مجموعه آثار تصحیح و درج شود.

همچنین در مدخل «ابن خفیف» در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نوشته استاد فتح‌الله مجتبابی از نسخه‌ای از معتقد ابن خفیف همراه با شرح آن با عنوان الفوائد العمادیه فی القواعد الاعتقادیة یاد شده است و به فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ارجاع داده شده است.^۲ مناسب بود این سرنخ نیز مورد توجه قرار گیرد.

علاوه بر این دو مورد، در «کارنامه علمی» خانم فاطمه علاقه - که کماکان در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی قابل دسترسی است^۳ - ذکر شده است که ایشان کتاب موسوم به «اوصاف القلوب» را تصحیح و برای انتشار آماده کرده است. چه بسا اگر این تصحیح به دست می‌آمد و چاپ می‌شد، نیاز نبود که آقای کاظمی فر به زحمت بیفتند و کتاب را دوباره حروف چینی کنند. بر اساس این کارنامه، خانم علاقه در حال نوشتن کتابی با عنوان تحقیق در شرح حال و آثار ابن خفیف نیز

۱. وفادار مرادی، فهرست کتب خطی کتابخانه خانقاه احمدی شیراز، ص ۱۶۵-۱۶۶. با سپاس از جناب سیدعلی طباطبایی یزدی که عکس این صفحات کتاب را در اختیار نگارنده قرار دادند.

۲. مجتبابی، «ابن خفیف»، در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۴۳۷.

3. <https://www.ihs.ac.ir/literature/ fa/ page/ 316/% D8% AF% DA% A9% D8% AA% D8% B1-% D9% 81%D8%A7%D8%B7%D9%85%D9%87-%D8%B9%D9%84%D8%A7%D9%82%D9%87>

بوده‌اند. هرچند از سرنوشت آن تصحیح و این کتاب فعلاً اطلاعی در دست نیست، ولی در هر حال لازم بود که گردآورنده مجموعه به پیشینه بحث از آثار ابن خفیف و تحقیقات مربوط به او توجه می‌کردند و آن را در کتابی که به مجموعه آثار ابن خفیف اختصاص یافته است، برای خوانندگان گزارش می‌کردند. و اما آخرین مورد که عجیب‌ترین مورد نیز هست، رساله مورد اشاره زویروی در پیشگفتار خود بر همین کتاب است. وی از رساله «شرح خاصیت آیات» نام برده و محل نگهداری آن را معرفی کرده و مطالب آن را به تفصیل توصیف کرده است.^۱ با توجه به اینکه زویروی برای این مجموعه پیشگفتار نوشته است، ظاهراً امکان این وجود داشت که این رساله را برای درج در مجموعه در اختیار آقای کاظمی فر قرار دهد.

افزون بر این موارد، در مقاله آقای دکتر جواد بَشری که پیشتر به آن اشاره شد، نسخه‌های تازه‌ای از آثار برجای مانده ابن خفیف معرفی شده است که هیچکدام مورد توجه آقای کاظمی فر قرار نگرفته است.

مشکل بعدی در این گردآوری آن است که آقای کاظمی فر به کلی اقوال ابن خفیف را نادیده گرفته است. از ابن خفیف صدها سخن در کتاب‌های مختلف نقل شده است که بی‌تردید گردآوری و دسته‌بندی و عنوان‌گذاری آن‌ها می‌تواند تصویر بهتر و دقیق‌تری از اندیشه‌های ابن خفیف در ذهن مخاطبان امروز به وجود بیاورد. بخشی از این اقوال برخاسته از سنت شفاهی است، ولی برخی دیگر به احتمال زیاد از میان آثار مفقود ابن خفیف گزینش و نقل شده است و گردآوری آن‌ها می‌تواند ما را به متن آثار ابن خفیف نزدیک‌تر کند. علاوه بر این، می‌توان با مقایسه نقل‌های مشابه، آن‌ها را همچون نسخه‌های متعدد از یک متن در نظر گرفت و ضبط‌های نادرست را اصلاح کرد.

با اینکه ابن خفیف آثار خود را به زبان عربی نوشته است و بخش اعظم این دو مجلد نیز به زبان عربی است، قواعد نگارش عربی در قسمت‌های عربی رعایت نشده است. نشانه‌های سجاوندی در متن دلبخواهی و بی‌قاعدگی به کار رفته است و برخی ضوابط متون جدید، مانند چسبیدن «و» به کلمه بعد از خود و اظهار همزه قطع و اخفاء همزه وصل رعایت نشده است. علاوه بر این، گویا متن بازخوانی نهایی نشده است و به همین

۱. مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، ج ۱، مقدمه فلورین زویروی، ص ۲۰-۲۱.

سبب اغلاط املائی و اعرابی و تایی فرآوانی به مقدمه و متن راه یافته است که «لَا تُحَدُّ و لَا تُخْصِي» است.

با توجه به اهمیت ابن خفیف و آثارش، لازم بود فواید این مجموعه در قالب نمایه‌های دقیق و صحیح بیشتر در معرض دید خوانندگان کتاب قرار گیرد. متأسفانه نمایه‌های مجموعه نه دقیق است و نه کامل است. نام‌های گسان گاه نادرست ضبط شده است و گاه نام یک فرد در دو جا ذکر شده است. در نمایه‌ها، برخلاف معمول، «ال» تعریف محاسبه شده است و همین باعث شده است که مثلاً نام «السَّبَلِي» به جای اینکه در بخش حرف شین باید به بخش حرف الف منتقل شود. از همه این‌ها مهم‌تر نمایه موضوعی است که کتاب فاقد آن است. سرتاسر این مجموعه پُر است از اصطلاحات عرفانی و حدیثی و کلامی که فقدان نمایه موضوعی استفاده از آن‌ها را تقریباً ناممکن ساخته است. با توجه به اینکه در بخش زیادی از کتاب موسوم به «اوصاف القلوب» به بحث وجد و سماع پرداخته شده است، نویسنده به مناسبت از اصطلاحات موسیقایی استفاده کرده است که بسیار جالب است و لازم بود که در نمایه موضوعی کاملاً مورد توجه قرار گیرد.

(۴) نتیجه‌گیری

ابن خفیف از مهم‌ترین صوفیان تاریخ است که به‌ویژه نقشی مهم در حیات معنوی منطقه فارس داشته است. گردآوری و تصحیح آثار و اقوال برجای مانده از ابن خفیف یکی از کارهای ضروری برای فهم اندیشه‌های او است. آقای دکتر معین کاظمی فر در کتاب «مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی»، که در دو جلد منتشر شده است، تلاشی ستودنی کرده است که این مهم را به انجام برساند، ولی این تلاش چندان قرین توفیق نبوده است. مجلد اول این مجموعه شامل کتاب اوصاف القلوب منسوب به ابن خفیف است. به نظر می‌رسد، لازم است این کتاب دوباره تصحیح و تحقیق شود و کاری که در کتاب حاضر انجام شده است چیزی بیش از حروف چینی اولیه نسخه خطی به شمار نمی‌رود. رساله‌ای که در اینجا با عنوان اوصاف القلوب منتشر شده است، یکی از آثار بسیار گران‌بهای صوفیه است و ارزش آن را دارد که مجدداً به گونه‌ای کاملاً عالمانه و دقیق تصحیح و تحقیق شود. و اما در خصوص مجلد دوم این مجموعه که گردآوری

تصحیح‌های پژوهشگران قبلی است، لازم است خاطرنشان شود که این «کپی‌کاری ناشیانه» هم حق معنوی محققان پیشین را ضایع کرده است و هم به هیچ‌وجه خواننده را از مراجعه به تصحیح‌های اصلی بی‌نیاز نمی‌کند. در واقع، با کتاب حاضر نه تنها هیچ پیشرفتی در خصوص آثار ابن‌خفیف صورت نگرفته که چند گام به عقب برداشته شده است. و اما سخن پایانی این است که آنچه گفته شد، تنها اشاراتی به اشکالات کلی این کتاب است و گرنه مشکلات این کتاب بیش از این حرف‌ها است.

منابع

- ابن خالویه ابو عبد الله حسين بن احمد همدانی، الحجة في القراءات السبع، تصحيح: عبد العال سالم مكرم، چاپ سوم: بیروت، دار الشروق، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م.
- ابن خفیف شیرازی، «شرف الفقراء»، تصحيح فاطمه علاقه، معارف، سال شانزدهم، شماره ۱، فروردین-تیر ۱۳۷۸، شماره پیاپی: ۴۶، ص ۹۸-۱۳۲.
- ابن خفیف شیرازی، «فضل التصوف على المذاهب»، تصحيح فاطمه علاقه، با همکاری کاظم برگ نیسی، معارف، سال پانزدهم: فروردین-آبان ۱۳۷۷ ش، شماره پیاپی: ۴۳-۴۴، ص ۵۱-۸۰.
- ابن خفیف شیرازی، مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، ۲ ج، تحقیق و تصحيح: معین کاظمی فر، پیشگفتار: فلورین زوبیژوئی، چاپ اول: تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۴۰۲.
- ابومنصور اصفهانی، مجموعه آثار ابومنصور اصفهانی، تصحيح نصرالله پورجوادی و محمد سوری، در دست انتشار.
- ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ۱۰ ج، قاهره: مکتبة السعادة، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م.
- افشار، ایرج، «اخباری از چند نسخه خطی در شیراز»، یغما، سال ۱۸، شماره ۵، مرداد ۱۳۴۴، ص ۲۵۱-۲۵۶.
- أمیة بن ابی صلت، دیوان أمیة بن أبی الصلت، گردآوری و تحقیق: سجیع جمیل الجبیلی، چاپ اول: بیروت، دار صادر، ۱۹۹۸.
- انصاری، خواجه عبدالله، طبقات الصوفیه، تصحيح: محمد سرور مولایی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۲.
- بشیری، جواد، «آثار برجای مانده از ابن خفیف و دست نویسی از بخش ابتدایی کتاب الاقتصاد»، آینه میراث، دوره هفدهم، شماره ۶۴، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۱-۱۸.
- بنّا، احمد بن محمد، إتحاف فضلاء البشر بالقراءات الأربعة عشر المسمی منتهی الأمانی و المسرّات فی علوم القرآن، ۲ ج، تصحيح: شعبان محمد إسماعیل، چاپ اول: بیروت و القاهرة، عالم الکتب و مکتبة الکلیات الأزهریة، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م.
- پورجوادی، نصرالله، «ابن یزدانیا رومی و منازعه او با مشایخ بغداد: نگاهی به دعوای صوفیه با یکدیگر»، معارف، دوره پانزدهم، شماره ۳، آذر-اسفند ۱۳۷۷، ص ۶۶-۹۱.
- جنید شیرازی، معین الدین ابوالقاسم، شدّ الأزار فی حظّ الأوزار عن زوّار المزار، تصحيح: محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی، چاپ اول: تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸.
- درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ۴۵ ج، چاپ اول: تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.

دیلمی، ابوالحسن علی بن محمد، سیرت شیخ کبیر ابو عبد الله ابن خفیف شیرازی، ترجمه رکن الدین یحیی بن جنید شیرازی، تصحیح آنه ماری شیمل، به کوشش توفیق ه سبحانی، چاپ اول: تهران، انتشارات بابک، ۱۳۶۳ [افست از چاپ استانبول ۱۹۵۵ با ترجمه مقدمه به فارسی و حذف دو مقدمه آلمانی و ترکی کتاب].

دیلمی، ابوالحسن علی بن محمد، سیرت شیخ کبیر ابو عبد الله محمد بن خفیف شیرازی، ترجمه تاج الدین کربالی، تصحیح: مجتبی مجرد، چاپ اول: تهران، انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن، ۱۴۰۰.

دیلمی، ابوالحسن علی بن محمد، عطف الالف المألوف علی اللام المعطوف، تصحیح: ج. ک. فادیه، قاهره: مطبعة المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیة، ۱۹۶۲.

زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین الدین احمد، شیرازنامه، تصحیح: اسماعیل واعظ جوادی، چاپ اول: تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.

سبکی، تاج الدین عبد الوهاب بن علی، طبقات الشافعیة الكبرى، ۱۰ ج، تصحیح: محمود محمد طنحی و عبدالفتاح محمد حلو، چاپ اول: قاهره، مطبعة عیسی البابی الحلبی و شرکاه، ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۴ م.

شعر فَعْنَب بن أمّ صاحب، گردآوری و تحقیق: إبراهیم بن سعد حَقِیل، چاپ اول: قاهره، معهد المخطوطات العربیة، ۱۴۳۹ ق / ۲۰۱۸ م، ص ۵۰.

عطار نیشابوری، تذکرة الأولیاء، تصحیح: رنولد الن نیکلسون، چاپ اول: لایدن، مطبعة بریل، ج ۱: ۱۹۰۵، ج ۲: ۱۹۰۷.

مَعْن بن أوس مُزَنی، دیوان مَعْن بن أوس المُزَنی، صنعة نوری حمودی القیسی و حاتم صالح الضامن، بغداد: مطبعة دار الجاحظ، ۱۹۷۷.

مغیره بن حبناء تمیمی، «شعر المغیره بن حبناء التمیمی»، گردآوری و تحقیق: نوری حمودی القیسی، المورد، شماره ۳-۴، اکتوبر ۱۹۸۱ م، ص ۱۷۷-۲۰۴.

منزوی، احمد، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، تهران: انتشارات مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴.

هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان، کشف المحجوب، تصحیح: والنتین ژوکوفسکی، لنینگراد: مطبعة دارالعلوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ۱۹۲۶ م / ۱۳۴۴ ق / ۱۳۰۴.

وفادار مرادی، محمد، فهرست کتب خطی کتابخانه خانقاه احمدی شیراز، چاپ اول: تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.

Brockelmann, Carl, *History of the Arabic Written Tradition*, Translated by Joep Lameer, with a Preface by Jan Just Witkam, Vol. 1 & 2, Supplement Vol. 1, 2, & 3-ii, Leiden: Brill, 2017-2018.

Florian, Sobieroj, *Ibn Ḥafīf aš-Šīrāzī und Seine Schrift zur Novizenerziehung (Kitāb Al-Iqtisād)*, Orient-Institut der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft in Kommission bei F. Steiner Verlag Stuttgart, Beirut, 1998.